

civilizations from the perspective of the Qur'an

mohammad hosain daneshkia*

Received on: 13/07/2022

Accepted on: 13/12/2022

Abstract

Purpose: what has received less attention is the discovery and application of effective traditions in the establishment and durability of civilization. These traditions can be used in long-term, medium-term and short-term planning and even in the analysis of historical and civilizational event.

Methodology: Using the interpretation method, in the interpretation of the verses and descriptive analysis, in the historical perceptions and with a civilizational approach.

The civilizational approach, or the civilizational view, extends to the research data set, therefore, the verses and traditions are also looked at with this view.

Findings: he findings of this research indicate that the six traditions of relief, sending messengers, the victory of right over wrong, stability and perseverance , piety , and retraction have an essential role in the durability and development of civilizations. Of course, the meaning of piety in this research is social piety. Therefore, its effects such as learning knowledge from God, providing sustenance from an unknown or uncalculated way, giving the ability to distinguish falsehood from truth, making things easier, and showing the way out of problems are considered at the level of civilization.

Conclusion: God has governed the world, history and society with laws, civilization is also a level of society that happens on the bed of history, therefore the laws that govern history and society govern it. Achieving the rules governing civilization, especially the traditions governing the establishment and durability of civilization, is a very practical issue. The Qur'an has enumerated some

* Associate Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, University of Islamic Studies, Qom, Iran. (Corresponding Author).

mkial1988@gmail.com

 0000-0002-4222-5254



of the traditions governing the establishment and durability of civilization. In this article, the six traditions of relief, sending messengers, the victory of right over wrong, stability and perseverance, piety, and retraction were considered and analyzed with a civilizational approach. The function of humans causes the use and flow of traditions in the context of history. Therefore, man is able to create the subject of traditions with his actions, and by creating the subject, the ground for creating the tradition and its predicate is provided. The realization of these traditions is able to create and maintain the civilization culture, civilization systems, help to make civilization matters easier, rule meritocracy, Facilitate the revealed knowledge necessary for human movement and the application of human reason and experience, improve the economy in uncalculated ways, and make the front of the right victorious.

Any tradition that shows the factors of degeneration and stagnation of societies and civilizations, doing the opposite can be considered as a factor of establishment and durability and even the progress of civilization and in some way indicates establishment and durability. It is suggested that each of these traditions be studied on a case-by-case basis and how they are realized in civilization components with historical adaptations as human experiences.

What is important is to achieve the logic of generalizing individual data to social affairs, which makes such a thing difficult due to the habit of minds to individual perceptions of revealed knowledge.

Keyword: the Qur'an, Civilization traditions, tradition of formative, tradition of durability, Civilization.

سنت‌های پیدایی و پایایی تمدن از منظر قرآن

محمدحسین دانشکیا*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

چکیده

ز موضوعات مورد توجه قرآن حکیم، سنت‌های تاریخی و اجتماعی است. یعنی مجموعه‌ای از قوانین الهی که بر جهان هستی اعم از جهان خلقت، جهان تاریخی و جهان تمدنی حاکم است. در این میان آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است کشف و به کارگیری سنت‌های مؤثر در پیدایی و پایایی تمدن است. این سنت‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت و حتی در تحلیل رویدادهای تاریخی و تمدنی کاربرد داشته باشد. این نوشتار با استفاده از روش تفسیری، در برداشت از آیات و توصیفی-تحلیلی، در برداشت‌های تاریخی و با رویکردی تمدنی، درصدد پاسخ به این پرسش است که سنت‌های مؤثر در پیدایی، پایایی تمدن‌ها، از منظر قرآن چیست؟ یافته‌ها حکایت از آن دارد که سنت‌هایی مانند: امداد، ارسال رسولان، پیروزی حق بر باطل، پایداری و استقامت، تقوای اجتماعی و استغفار نقش بی‌بدیلی در پیدایی و مانایی تمدن‌ها دارند.

کلمات کلیدی: قرآن، سنت تمدنی، سنت‌های پایایی، سنت‌های پایایی، تمدن.

* دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

خداوند تبارک و تعالی در قرآن حکیم به بحث از سنت‌های تاریخی تمدنی پرداخته است. سنت‌ها مجموعه‌ای از قوانین الهی هستند که بر جهان هستی حاکم‌اند. در واقع سنت‌ها توجیه‌گر چگونگی نقش خدا و انسان در تاریخ و تمدن‌اند. تمدن گرچه در بستر دنیا شکل می‌گیرد و همین امر باعث اشتباه برخی در دنیایی دانستن آن شده، اما صرفاً انعکاس دنیایی ندارد بلکه هر کنش تمدنی در جهان تمدنی دارای پژواک است و چون از منظر قرآنی جهان تمدنی بسیار وسیع‌تر از عالم دنیای مادی است، تأثیر کنش تمدنی نیز فراتر از آن است. بحث از سنت‌های الهی، بحثی کاملاً کاربردی است هرچند به خاطر غلبه‌ی نگاه سکولار بر اندیشه‌ها بهای لازم به آن داده نشده است و بسیار کم در برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشورهای اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد. آگاهی از سنت‌های الهی در مجموع و خصوصاً پیدایی و پایایی تمدن‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی آینده‌ی تمدنی جامعه موردتوجه قرار گیرد. اما قدم اول شناسایی و تحلیل تمدنی سنت‌هاست که موضوع همین نوشتار است، به عبارتی سؤال اصلی این است که از منظر قرآن، کدام قوانین و سنت‌های الهی بر زایش و ماندگاری تمدن حاکم است؟ در برداشت از آیات، از روش تفسیری و در تطبیق‌های تاریخی از روش توصیفی تحلیلی با رویکردی تمدنی استفاده خواهد شد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در کتاب سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، به موضوع سنت‌های اجتماعی پرداخته و برخی از سنت‌ها را موردبررسی قرار داده است، تفاوت این کتاب با نوشتار حاضر، رویکرد تمدنی نوشتار حاضر و اختصاص آن صرفاً به سنت‌های پیدایی و پایایی است (مراد خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹ به بعد). کتاب جامعه و تاریخ در بخشی به‌مرور سنت‌های مقید و مشروط مخصوص اهل حق پرداخته است، اما به سنت‌های موردتوجه در این نوشتار و آن‌هم با رویکردی تمدنی نپرداخته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۵، ۴۳۷ به بعد) کتاب جامعه‌شناسی تاریخی در فصل هیجدهم به عامل تمدن سازی هجرت توجه کرده است، اما به دیگر عواملی که در این نوشتار توجه شده است، نپرداخته‌اند (کافی، ۱۳۹۳، ص ۴۰۵). کتاب برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن فقط ذیل سنت نزول برکات در جوامع و قراء متقی، سنت پیدایی اجمالاً موردبررسی قرار گرفته است (نجفی علمی، ۱۳۷۱، صص ۱۵۰-۱۴۸) کتاب سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم به سنت پیروزی حق بر

باطل و وراثت زمین به مؤمنان پرداخته است، تفاوت آن با این نوشتار در رویکرد تمدنی و سنت‌هایی است که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است (حامد مقدم، ۱۳۸۲، ص ۹۴) کتاب سنت‌های تاریخ در قرآن به صورت موجز در حد اشاره و به تناسب سخن از صورت‌هایی از سنن تاریخی در قرآن، به دو آیه اشاره می‌کند و وارد بحث مستقل از سنت‌های پیدایی و... نمی‌شوند (شهید صدر، بی‌تا، ص ۷۲ به بعد) در مقاله‌ی سنت‌های الهی و سقوط و صعود تمدن‌ها، سنت‌های مختلف را بر شمرده‌اند و وارد بحث از تأثیر تمدنی آن‌ها نشده است (حسینی، ۱۳۸۶، صص ۴۵-۸۱). مقاله‌ی اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها، به شمارش دوازده عامل مؤثر در زایش و تعالی تمدن‌ها پرداخته است و ورودی به بحث از عوامل مذکور نداشته است (محمدی، ۱۳۸۷، صص ۱۶۱-۱۸۴) و مقاله‌ی مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن نیز عواملی غیر از سنت‌های مورد بحث در این نوشتار را مورد اشاره قرار داده است (سقای بی‌ریا، ۱۳۹۸، صص ۲۲۳-۲۴۷)، مقاله‌ی تبیین نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی، صرفاً به نقش قانون در پایایی تمدن پرداخته است (دانشکجا، زارع، ۱۴۰۱، صص ۱۹۱-۲۲۰) در مقاله‌ی دیگری از نگارنده در همین نشریه با عنوان تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن، صرفاً به تأثیر نگرش‌های انسانی در ساخت و ایجاد تمدن، نه سنت‌های تمدنی پرداخته شده است (دانشکجا، ۱۳۹۹، صص ۹۷-۱۲۴).

در نتیجه تفاوت نوشتارهای یادشده با مقاله‌ی حاضر در رویکرد این مقاله در نگاه به سنت‌ها از منظر تمدنی، اختصاص آن به سنت‌های پیدایی و پایایی، پرداختن به سنت‌هایی که در نوشتارهای یادشده مورد توجه قرار نگرفته یا اگر توجه شده به تمامی ابعاد آن‌ها پرداخته نشده است علاوه بر پرداخت نسبتاً تفصیلی به سنت‌های پایایی و پیدایی نسبت به نوشتارهایی که صرفاً به احصا آن‌ها قناعت ورزیده‌اند می‌باشد و همین تفاوت‌ها وجه امتیاز و نوآوری مقاله‌ی حاضر است. به‌ویژه آن‌که در نوشتارهایی از این دست که سخن از سنت‌های تمدنی شده، از سنن حاکم بر انحطاط جوامع یادشده است، اما کمتر سنت‌های پیدایی و پایایی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

قبل از ورود به بحث، ضروری است برای فهم مشترک، مقصود نگارنده از اصطلاحات اصلی بیان گردد:

۱-۲. سنت و سنت تمدنی

مقصود از سنت، آن قسمت از تدابیر و سازمان‌دهی خداوند است که تداوم و تکرار داشته باشد و رویه و قانون خدا را نشان دهد و بیانگر رابطه‌ی تکوینی بین پدیده‌های تاریخی، اجتماعی و کنش‌های تمدنی باشد، یعنی قانونمندی تاریخ و تمدن (میرمحمدی، ۱۳۸۹، صص ۹-۳۴) این قوانین حاکم بر جامعه و تمدن هستند، نه برای جامعه به گونه‌ای که با تحقق موضوع سنت‌ها تضمین شده محمول قضایای آن‌ها ایجاد شود بسان این‌که: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (الطلاق/۴). از این رو قوانین تکلیفی یا توصیه‌ای خداوند برای انسان یا جامعه انسانی، مشمول بحث سنت تمدنی در این نوشتار نیست مانند: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ غَاقِبَةُ الْأُمُورِ (الحج/۴۱).

۲-۲. تمدن و تمدن توحیدی

مقصود از تمدن، سطحی از اجتماع (جامعه) دولتمند که در راستای سعادت بشر، فرهنگ تمدنی در آن به فعلیت رسیده و نظامات موردنیاز خود را بر اساس آن، سامان بخشی داده‌اند (دانشکیا، ۱۳۹۹، صص ۹۷-۱۲۳) اما تمدن توحیدی را می‌توان بر اساس قرآن و تعریف یادشده چنین تعریف کرد: جامعه‌ای امن طیب دولتمند تحت حکومت صالحان، که در راستای سعادت دنیوی و آخروی بشر، فرهنگ توحیدی (تمدن‌زا) در آن به فعلیت رسیده و نظامات موردنیاز خود را بر اساس آن سامان بخشیده است.

۳. ملاحظات نظری

دو نکته‌ی مهم قابل ذکر است:

الف. هرچند برخی از سنت‌های قرآنی بر جامعه حاکم است، اما برخی بر فرد حاکم است، از این رو این سؤال مطرح می‌شود که آیا این سنت‌ها بر زندگی جمعی و اجتماعی هم حاکم است؟ پاسخ مثبت است، چرا که وقتی جمعی کار مشترکی را انجام می‌دهند سنت فردی در عمل شامل همه‌ی آنان می‌شود و نتیجه‌ای برای جمع و اجتماع پدید می‌آورد. علاوه بر این‌که ماهیت برخی از سنت‌ها جریان دوگانه آن‌ها بر فرد و جامعه است، آیت‌الله جوادی آملی در

ذیل بحث از آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» می‌فرماید این آیه هم به فرد هم بر جمع تطبیق می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، تفسیر سوره‌ی طلاق).

ب. یکی از سؤالات مطرح این است که چه وقت جامعه موضوع سنت قرار می‌گیرد؟ آیا باید همه‌ی اعضای جامعه عملی را انجام دهند یا اکثریت؟ یا ارتکاب اقلیت هم کافی است. برخی از مفسران شرط جریان سنت‌های اجتماعی را همه یا اکثریت می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶).

۴. روش پژوهش

با عنایت به موضوع پژوهش، در استفاده از آیات و برداشت از آن از روش تفسیری استفاده شده است. در بیان نمونه‌های تاریخی از روش توصیفی و تحلیلی با رویکرد تمدنی بهره گرفته شده است. رویکرد تمدنی، یا نگاه تمدنی به مجموعه داده‌های تحقیق تعمیم دارد از این‌رو نگاه به آیات و روایات نیز با این نگاه صورت پذیرفته است.

۵. سنت‌های پیدایی و پایایی تمدنها

عوامل متعددی در پیدایش تمدنها و مانایی آنها دخیل‌اند. در این میان سنت‌های الهی نقشی بی‌بدیل دارند. در قرآن به سنت‌های متنوعی در این‌باره اشاره شده است، به علت مضیق‌های نوشتاری به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

۵-۱. امداد مؤمنان و کافران (سنت امداد)

هر کسی در عالم دنیا برای رسیدن به اهدافی تلاش کند تا به نتیجه برسد یعنی تلاش انسان، خواه مؤمن باشد یا کافر نتیجه‌بخش است، این سنت امداد الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۵) از این‌روست که زمین شاهد تمدن‌هایی با صبغهی غیرتوحیدی نیز هست. امور دنیا به‌گونه‌ای تنظیم و سامان‌یافته که تلاش‌های بدون معارض اثربخش باشند، بلی از آنجاکه انسان‌ها مختارند، گاهی تلاش گروهی خواه مؤمن یا کافر، تلاش دیگری را خنثی می‌کند، اما همین امر نیز در راستای همین سنت است. در عرصه‌ی ساخت تمدن، سنت امداد، اجازه‌ی تأسیس تمدن را با تلاش مستمر به انسان‌ها می‌دهد و به آنها یادآور می‌شود که تلاششان بی‌نتیجه نخواهد ماند: مَنْ

كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ... (الإسراء / ۱۸) وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (الإسراء / ۱۹) كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَؤُلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (الإسراء / ۲۰).

این که خداوند به خواستاران تمدنی دنیوی، به آن اندازه که خود می‌خواهد می‌دهد (ما نشاء) از آن روست که دنیا محل تراحم و تعارض خواسته‌هاست و تحقق همه‌ی خواسته‌ها امکان‌پذیر نیست هرچند تلاش مؤمنانه برای آخرت چون معارض و مزاحم ندارند به تمامه داده خواهد شد. سنت الهی «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»، روی دیگر همین سنت است. هر کس به اندازه‌ی تلاشش از دنیا بهره‌مند می‌شود هرچند در آخرت هم نتیجه آن را می‌بیند «وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ» * ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ، النجم ۴۰ / ۴۱).

پس عامل رسیدن به اهداف در زندگی فردی و اجتماعی، تلاش فردی و اجتماعی است و با تنبلی و بی‌تحرکی محصولی به دست نمی‌آید.

البته سنت آزمایش انسان‌ها یا سنت استدراج، گاهی سرازیری نعمت‌های بیشتری را برای ناسپاسان پدید می‌آورد اموری که می‌توانند به‌ظاهر نعمت باشند و در باطن عذاب دردناک. (مشابه: فَضْرِبْ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (الحديد / ۱۳).

بر اساس این سنت، خداوند فارغ از نژاد، رنگ، مذهب و... امکانات مساوی در اختیار انسان قرار داده است تا در رقابتی به تشکیل تمدن و زندگی سعادت‌مند مورد نظر خود اقدام کنند. هرچند آن‌ها در طول مسیر می‌توانند با عملکرد آزادانه خود امکانات بیشتری را جذب یا دفع کنند یا خود را از آن محروم سازند، به‌طور مثال، سوگیری معنویت‌گرایی الهی، نه هر معنویت، جاذب امکانات است و غیر آن که منتخب ناسپاسان و ناپرهیزان است دافع و محروم‌ساز است که در بحث‌های بعدی از آن سخن گفته خواهد شد.

عملکرد سنت امداد در ارتباط با تمدن، انسان‌های با تفکرات مختلف را قادر می‌سازد تا به ایجاد یک تمدن بر اساس آرمان‌های خود مبادرت کنند. به عبارتی سنت‌های الهی به هر نوع از انسان‌ها این یاری را می‌دهد که نتیجه‌ی تلاش خود در راه‌اندازی یک تمدن را ببیند. آیات دیگر هم تأکیدی بر همین سنت الهی است. مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ... (هود / ۱۵)

در راه تشکیل تمدن الهی، آنان باید بر تمدن‌های رقیب پیروز شوند، در اینجاست که دیگر نقش‌های الهی، در قالب سنت‌هایی مانند «نصرت مؤمنان» ظهور پیدا می‌کند و کفه‌ی تعارض را به نفع تمدن توحیدی سنگین می‌نماید. اما سنت نصرت و نظایر آن فقط تابع تلاش مادی نیستند و اموری دیگر باید ضمیمه شود تا آن سنت جریان یابد. که در سنت بعدی اشاره خواهد شد.

۲-۵. سنت ارسال رسولان

از دیگر سنت‌های پیدایی و پایایی تمدن‌ها، سنت ارسال رسولان است که در امتداد سنت هدایت قرار دارد. خداوند رسولانی برای هدایت انسان‌ها ارسال کرده و وظایفی چند بر عهده‌ی آن‌ها نهاده است. اغلب وظایف انبیای الهی در راستای پیدایی و پایایی تمدن‌ها و جلوگیری از دچار شدن آن‌ها به رکود و انحطاط است.

اگر تعریف پذیرفته‌شده از تمدن در این نوشتار مدنظر قرار داشته باشد، ملاحظه خواهد شد که وظیفه‌ی دعوت به توحید و اجتناب از طاغوت از مهم‌ترین وظایف انبیای الهی است (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (النحل/۳۶))؛ وظایفی مانند تعلیم و تربیت جامعه، آموزش کتاب الهی و حکمت (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (الجمعه/ ۲)، برقراری قسط میان مردم و به کارگیری قدرت نظامی برای رسیدن به اهداف رسالت (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحديد/ ۲۵) از جمله وظایف انبیا و تأثیرگذار در شکل‌گیری و پایایی و حتی پیشرفت تمدن‌ها خواهد بود.

انبیای الهی با گفتار، کردار و عمل خود سبک زندگی که انسان را به سرمنزل مقصود برساند را آموزش می‌دهند. آنان گاهی در مقام معلم، گاهی مرشد و معلم سلوک، یا در مقام حکیم و گاهی در مقام پیشوای سیاسی ظاهر می‌شوند و در تمامی حالات، هدفشان رساندن انسان به سرمنزل مقصود است.

آموزش فرهنگ بالنده، رسم اضلاع تمدن توحیدی و تعیین حدود آن از دیگر فعالیت‌های ایشان است. حتی در صورت بسط ید و رفع موانع، مینیاتوری از تمدن الهی را تحقق می‌بخشند

همچنانکه حضرت داود (ع) و سلیمان (ع) و در ادامه رسول‌الله (ص) چنین کردند تا الگویی عملی از جامعه طیبِ امنِ دولتمند نصب العین انسان‌ها قرار داشته باشد.

از مهم‌ترین وظایفی که بر دوش انبیاء قرار گرفته و رنگ توحیدی به تمدن می‌بخشد ارائه‌ی معرفت و دانش و حیانی برای اداره‌ی جامعه بشری است. یعنی نرم‌افزار لازم برای تمدن‌سازی. همین ویژگی یکی از تفاوت‌های تمدن توحیدی و ابلیسی است (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (البقره/ ۱۳۸)). اتکاء به علم و تجربه‌ی بشری در مقابل بهره‌مندی از آموزه‌های و حیانی برای هدایت عقل و تجربه بشری.

آنچه تمدن‌ها را سامان می‌دهد دانش است اما کدام دانش؟ انسان‌ها بعضاً سعی می‌کنند بر دانش بشری و عقل منسلخ از وحی و تجربه‌های انسانی تکیه کنند و همین عامل انحراف آنان از صراط مستقیم الهی است. فَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (غافر/ ۸۳)

در قرآن نمونه‌هایی از این دست انسان‌ها معرفی شده و عاقبت آنان نشان داده شده است. قارون یکی از آنهاست که می‌گفت: (قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (القصص/ ۷۷)).

کار انبیا، اتصال انسان به معرفت و دانش و حیانی و علم خداوندی است، تا به پشتوانه‌ی آن بتواند چراغ عقل و تجربه بشری را پرفروغ نگه‌داشته و مسیر حرکت را برای آن‌ها روشن نماید.

۳-۵. سنت پیروزی جبهه‌ی حق بر باطل و ریشه‌کنی اهل باطل (سنت استیصال)

در ذیل بحث از سنت امداد گفته شد، عملکرد و تلاش مؤمنان و کفار در دنیا با هم در تعارض و بعضاً خنثی‌کننده‌ی یکدیگرند، البته با یک تفاوت که مؤمنان در برخی شرایط کمک‌هایی را از خداوند دریافت می‌کنند که باعث سنگینی کفه‌ی تمدن آن‌ها در برابر تمدن ابلیسی می‌شود. یکی از این سنت‌ها، سنت پیروزی حق بر باطل است. وَ يَرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ. (الأنفال/ ۷) جاری شدن این سنت به همراه سنن دیگر، موجب پیروزی جبهه‌ی ایمانی در غزوه بدر علیه کفار قریش گردید. این سنت علیرغم ناخشنودی ناسپاسان در وقت خود به

یاری مؤمنان می‌آید و پیروزی آنان را رقم می‌زند... وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (الأنفال/۸)، (برای دیدن سنت‌های دخیل در پیروزی مؤمنان در بدر دانشکیا، ۱۳۹۳، فصل دوم به بعد).

قانون مذکور با سنت استبدال و استیصال و استخلاف در پیوند است، بررسی همه‌ی شرایط جاری شدن این سنت‌ها از حوصله و هدف این نوشتار خارج است و فقط از زاویه‌ی تأثیر آن‌ها در پیدایی و پایایی تمدن‌ها بررسی صورت خواهد گرفت. امت‌ها وقتی به نقطه‌ای خاص برسند با سنت استبدال روبرو می‌شوند، این سنت دو کفه دارد در یک‌روی آن برای بخشی از امت، سنت استیصال اجرا می‌گردد و آن‌ها با هلاکت روبرو می‌شوند و در کفه‌ی دیگر سنت استخلاف روی می‌دهد که عامل پیدایی و پایایی تمدن است.

الف. سنت استیصال

با اجرای سنت استیصال، قوم هدف با هلاکت روبرو می‌شوند، (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۵) به عبارتی وقتی باطل چنان در کفر خود فرو رود که حکمت الهی مقتضی مهلت بیشتری برای آن‌ها نباشد، سنت جاری‌شده و باطل ریشه‌کن می‌شود. ضرورتی ندارد سنت مذکور به‌طور ناگهانی و در لحظه، نابودی جبهه کفر را در پی داشته باشد بلکه می‌تواند طی سالیانی استمرار داشته و در پایان، نتیجه‌اش نابودی جبهه کفر باشد چنانکه در دوره‌ی نبی اعظم (ص) چنین شد و در بدر کفر به‌تمامه نابود نگردید اما بدر نابودی آن‌ها در آن روز کاشته و در فتح مکه برداشت شد.

این نابودی گاهی با نابودی یک قوم تحقق می‌یابد... أَنَّ ذَابِرَ هَوْلَاءٍ مَّقْطُوعٌ مُصْحِحِينَ (الحجر/۶۶) مانند قوم لوط و عاد و گاهی با نابودی بخش تأثیرگذار مانند قوم فرعون که فقط شامل فرعون و جنودش گردید. فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ... (الذاریات/۴۰).

با اجرای این سنت، قدرت و شوکت و بعضاً تمدن گروه معارض با مؤمنان از بین رفته و مجال برای پیدایی تمدن توحیدی پدید می‌آید. در جریان این ریشه‌کنی، به مؤمنان صدمه‌ای نمی‌خورد و آن‌ها، قبلاً از تیررس عذاب خارج می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۵) از این‌رو سنت استیصال ظرفیتی برای پیدایی تمدن توحیدی است.

ب. سنت استخلاف

در بیان سرنوشت اغلب تمدن‌هایی که قرآن به مرگ آنان اشاره کرده است این جمله را می‌توان

دید که بعد از نابودی کفار، مؤمنان را نجات دادیم مانند: وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (البقرة/۵۰) و مانند آن (الأعراف/۶۴؛ نظیر آن الأعراف/۷۲، الأعراف/۸۳) اما این مؤمنان چه کسانی هستند؟ اراده‌ی الهی بر این تعلق گرفته که «مستضعفان صالح» وارثان زمین قرار گیرند. از این رو، در هر زمانی که صالحان مستضعف قیام نمایند، امکان استخلاف برای آنان وجود دارد قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

این از وعده‌های حتمی الهی است که از گذشته‌های دور در کتاب‌های آسمانی به آن تصریح شده است وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (الأنبياء/۱۰۵)، گرچه نمونه‌ی کامل آن با ظهور امام عصر (عج) تحقق خواهد داد (القصص/۵).

از این رو جاری شدن سنت استخلاف، زمینه‌ی پیدایی و پایایی تمدن توحیدی را فراهم می‌سازد یعنی با تحقق هر دو روی سنت استبدال (استیصال و استخلاف)، مجال برای ظهور تمدن توحیدی فراهم می‌شود. که نتیجه‌ی سنت بالادستی پیروزی حق بر باطل است.

اما با پیدایی تمدن، وارثان صالح بیمه نمی‌شوند و در معرض آزمایش‌های الهی و تهدید تمدن‌های معارض قرار می‌گیرند. ماندگاری دولت و تمدن صالحان در گرو پرهیز از حاکمیت فساد در روی زمین است، آنان تا وقتی به دنبال برتری‌جویی فرعون، قارونی، هامانی یا بلعم و باعورایی نیستند و در زمین فساد نمی‌کنند مانا خواهند بود، همان‌طور که جریان سنت مذکور برای پیدایی هم، عدم آلودگی به فساد در مراحل زایش تمدنی است: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (القصص/۸۳).

پدیدآورندگان تمدن صالحان باید به خود یادآور شوند، اگر جامعه از مسیر مستقیم خارج گردد موضوع سنت استبدال قرار می‌گیرد و کسان دیگری برای ادامه‌ی این مسیر هموار انتخاب می‌شود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... (المائدة/۵۴)؛ أَوْلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَأْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (الأعراف/۱۰۰).

دانسته است، رکود و افول و انحطاط و سر آخر مرگ تمدنی حرکتی ناگهانی نیست، بلکه امری بطئی و تدریجی است و بذر آن می‌تواند در همان اوان پیدایی تمدن در زمینی مساعد کاشته شود و آرام‌آرام ریشه دواند تا جوانه زند و رخ نماید و در طول زمان به درختی تناور تبدیل گردد، البته درختی که ثمرش نابودی است و نه سایه‌سار رحمت. همان زمانی که رخ می‌زند می‌توان آن را حس کرد اما باید اراده‌ای برای کندن این علف هرز وجود داشته باشد، اما: وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (الأعراف/۱۰۲).

اگر دیر جنبیده شود، عوامل رکود و انحطاط و سرانجام مرگ جوامع، که دشمن بی‌بدیل تمدن توحیدی است، اراده‌ای برای مقابله باقی نمی‌گذارد، تمدن توحیدی تا وقتی پابرجاست که مردم بخواهند و از روزی که اکثریت راه خود را عوض کنند، سرنوشت دیگری برای آنان رقم خواهد خورد. از این رو برنامه ریزان کشور باید در رصد خطرات احتمالی و ممکن آینده، نشانه‌های رکود و تمدن را پیش و به مقابله‌ی زودهنگام اقدام نمایند. انحرافات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی هر یک می‌تواند بذری برای نابودی باشد، لذا نباید دست‌کم گرفته شوند:... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... (الرعد/۱۱) این سنت عملاً در ایران اسلامی در سال ۱۳۵۷ جاری شد، از این رو باید شدیداً از آن مراقبت به عمل آید.

۵-۴. سنت تقوایشگی یا خودنگهداری (خود مراقبتی)

غالباً وقتی سخن از تقوا به میان می‌آید، ذهن انسان متوجه اموری مانند: رعایت ظواهر شرع، ترک محرمات، انجام واجباتی مانند نماز و روزه، پرداختن وجوهات شرعی و رعایت اخلاق فردی می‌شود. هرچند همه‌ی این امور و نظائر آن مهم است، لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً از آن‌ها غفلت می‌شود. به نظر می‌رسد هرچند درباره‌ی تقوا کم سخن گفته نشده است اما از منظر تمدنی به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در تمدن کمتر سخن گفته شده است.

برای روشن‌تر شدن موضوع به این فقره از دعای امام سجاد ۸ توجه داده می‌شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّئِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ وَبِالسَّنِيِّ زِينَةَ الْمُتَّقِينَ»؛ «فی بسط العدل و كظم الغيظ و اطفاء النَّائِرَةِ وَ ضَمَّ اهل الفرقة و اصلاح ذات البين» (الصحيحه السجادية، دعای ۲۰) در این فقره زینت تقوایشگان، لباسی از جنس گستردن عدالت، فروبردن خشم، فرونشاندن آتش‌هایی که بین افراد

جامعه برافروخته می‌شود و پیوند دادن بین جدانشدگان از امت و اصلاح بین مردم است. این گستره مصداقی از تقوا آثار تمدنی یادشده در قرآن را در پی دارد. تقوای مدنظر در این نوشتار در ابعاد مختلف می‌تواند چنین مفهوم شناسی شود که:

تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیط‌های مختلف - چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خداترسی و امانت و صداقت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۵)

اما تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴) یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند.

تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام‌خوری، دست‌اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دست‌آورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرنگی‌هایی که علی‌الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، این‌ها خلاف تقوای اقتصادی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۵)

گستردن عدالت، عدالت قضائی، عدالت اقتصادی، عدالت در گزینش‌ها، عدالت در تقسیم منابع و فرصت‌های کشور بین گروه‌ها، عدالت جغرافیایی،... گستردن عدالت، بالاترین رقم‌های تقواست (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۵/۲۷)

رهبر معظم انقلاب در فرازهایی امور ذیل را از مواردی برشمرده‌اند که باید تقوا خود را در آن نشان دهد: مسئله‌ی رعایت بیت‌المال، خویش‌داری در برابر طغیان نفس، مال‌اندوزی، مشکلات اخلاقی، میل به زندگی تجملاتی و اشرافیت و سپس با اشاره به آیه وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا (الإبراهیم/۴۵) اضافه می‌کنند: خوب، اینکه ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی می‌کرد حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل نکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. روشمان بایستی با روش بندگان شیطان و اتباع شیطان متفاوت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۲۴)

موضوع اجرای سنت‌های مورد بحث در این قسمت، تقوا در گستره‌ی مفهومی و مصداقی

یادشده است، یعنی دارا بودن ویژگی‌های متعدد مضبوط در آیات و روایات در سطح اجتماع، این تقوا اگر روش و منش اکثر اعضای جامعه خصوصاً کارگزاران ارشد جامعه شود، محمول قضیه و آن سنت الهی جاری می‌گردد.

البته در برخی از موارد امکان دارد تقوای یک فرد، تأثیری اجتماعی را به دنبال داشته باشد اما اصل، التزام عملی و قلبی اکثریت جامعه به تقواست تا سنت تقوا جاری گردد.

از سوی دیگر، تقوا یعنی مراقبت از آنچه از طریق ایمان حاصل شده است، از این رو تقوا مرتبه‌ای بالاتر از ایمان است. تقوا ترکیبی از ایمان و انجام اعمالی خاص به‌علاوه مراقبت از آنها در طول مسیر حرکت است.

هرچند به مردم توصیه شده است خودنگهداری را به نحو احسن در پیش گیرند و در حد توانایی تقوای پیشه کنند: *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ... (آل عمران/۱۰۲) فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ... (التغابن/۱۶)* اما کافی برای رسیدن به تمدن توحیدی نیست گرچه شرط لازم است. حال به‌عنوان عنصری تمدنی باید تقوا در تمامی کنش‌ها و واکنش‌ها مطرح نظر جامعه قرار گیرد و مراقبت شود که از مسیر آن انحرافی حاصل نشود. از این رو تقوا الزاماً نیازمند نظام نظارتی قدرتمند در مسیر حرکت تمدن توحیدی است. تساهل و تسامح در مسیر تقوا جایی ندارد.

رعایت تقوا منجر به پدیداری آثاری در جامعه می‌شود که مؤثر در پیدایی و پایایی تمدن‌هاست:

- تعلیم علوم از سوی خدا

از عناصر بسیار مهم در پدیداری و پیدایی تمدن‌ها علم و دانش است. یکی از مباحث مطرح در زمینه‌ی تقوا و علم، تلازم فهمیده شده از آیه *وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ... (البقرة/۲۸۲)* است و تلازم این دو فارغ از دلالت این آیه است. برخی مفسرین می‌فرمایند: هرچند این آیه به‌صورت شرط و جزا نیست، وحدت سیاق و اسناد تعلیم به خدا، آن را به‌خوبی نشان می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶) تأثیر تقوا در علم که یکی از مهم‌ترین نمادها و مظاهر تمدنی است و از عوامل پیشرفت تمدن‌ها محسوب می‌گردد بر تمدن پژوهان پوشیده نیست.

اما تقوای موجد علم چیست؟ اتخاذ سیاست‌ها و انجام فعالیت‌ها در جهت کسب علم نافع، به

خدمت گرفتن آن برای اهداف بشری، پرهیز از استفاده‌ی غیرانسانی از دستاوردهای علم، در اختیار قرار دادن دستاوردهای علوم بدون ملاحظات طبقاتی، زمینه‌سازی برای نشر آن در جامعه، همگانی کردن آموزش علوم می‌تواند هر یک جنبه‌ای از تقوا در حوزه‌ی علم تلقی گردد. برقراری عدالت آموزشی در راه کسب علم می‌تواند شکوفایی استعدادهای قشر عظیمی از جامعه را فراهم سازد. وقتی سخن از تأثیر تقوا در تعلیم است، لزوماً از طریق رخ دادن معجزه نیست که البته آن‌هم دور از ذهن نیست اما رعایت تقوا خود می‌تواند در عالم مادی تأثیر گذارد.

علاوه بر این که گاهی تقوای فردی نیز آثار شکوفایی علم را در پی دارد. در طول سال‌های انقلاب اسلامی نتیجه تقوای دانشمندان در اختراعات و کشفیات علمی به روشنی قابل‌ملاحظه است. خاطره‌ای از شهید تهرانی مقدم پدر صنعت موشکی ایران اسلامی نمونه‌ای مناسب برای همین مطلب است، که چگونه برای دستیابی به نحوه‌ی ساخت موشک بعد از ممانعت روس‌ها از دادن آن، به حرم امام رضا (ع) رفته و با توسل سه روزه آن جرقه در ذهن زده شد: «زیارت خودم را تکمیل کردم و سریع برگشتم منزل، دفترچه نقاشی دخترم را گرفتم و آنچه را که در ذهنم بود ترسیم کردم. بعد از بازگشت از مشهد این طرح را مدل‌سازی کردیم و به لطف خدا جواب هم گرفتیم و مشکل حل شد» (شهید تهرانی مقدم، یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۰).

حتی در جامعه‌ی توحیدی ضرورتی ندارد این بارقه‌ها در ذهن یک موحد جرقه زند، از این رو در تمدن اسلامی برخی پیش‌قراولان علم مسلمان نبودند.

- فراهم شدن روزی از راهی ناشناخته

از مشکلات فراروی تمدن‌ها، مشکل معیشت و اقتصاد جامعه است. خصوصاً که تمدن‌های نوپا اغلب مورد تهدید تمدن‌های رقیب و دیرپای خود قرار دارند، تقوای اقتصادی راهگشای موانع اقتصادی است. پیشتر از تقوای اقتصادی سخن گفته شد، فرض شود جامعه به این درجه از تقوا برسد که از رشوه‌خواری، دزدی، ویژه‌خواری، احتکار، گران و کم‌فروشی، سوءاستفاده، دارا شدن‌های ناروا و دیگر کج روی‌های اقتصادی پرهیز کند و در کنار آن مواساه و مساوات و عدالت اقتصادی و انفاق و... را سرلوحه اعمال خود قرار دهد، آیا نتیجه‌ی چنین تقوایی اقتصادی سالم نخواهد بود البته در کنار آن خداوند تضمین کرده است که به چنین جامعه‌ای از راه‌هایی که فکرش را هم نمی‌کند و برایش نقشه‌ای ندارد روزی برساند: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ... (الطلاق/۲) وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ

لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (الطلاق / ۳) از امام صادق (ع) نقل شده است که: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۴)؛ چون موسی بن عمران (ع) از شهر خارج شد تا برای امتش از خدا طلب آتش کند، خداوند با او سخن گفت و به عنوان رسول مراجعت کرد، ملکه سبا نیز کافر از شهر خارج شد ولی نزد سلیمان مسلمان شد و جادوگران فرعون برایش طلب عزت می‌کردند ولی خودشان با ایمان بازگشتند.

این سنت برای انقلاب ما که در مسیر تمدن سازی با صدها تحریم روبروست بسیار کارگشاست. اما لازمه‌ی آن باورداشت وعده‌ی الهی است. وقتی مغز نخبگانی از فهم وعده‌های الهی ابا دارد و تحت تبلیغات جهان سکولار این نوع از سخن‌ها را خرافه می‌پندارد جامعه در این موارد سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نخواهد داشت.

مقصود از من حیث لایحتسب، یعنی روشی غیرمعمول، محاسبه و پیش‌بینی نشده است، گفته شده: رساندن رزق طبیعی گاهی عادی است و زمانی غیرعادی، چنانکه رساندن رزق معنوی مانند علم، گاهی عادی است که با درس و بحث حاصل می‌شود و زمانی غیرعادی است که در رؤیا یا حالت منامی و مانند آن به دست می‌آید. همه‌ی این امور و مانند آن مشمول رزق به حساب و «بَغْيِرِ حِسَابٍ» خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۱۵۸) ده‌ها مورد از رزق‌های غیر پیش‌بینی شده در همین دوران انقلاب مشاهده شده است. مثالی از تاریخ معاصر موضوع را روشن تر می‌کند: در دوره دفاع مقدس که معجزه‌ی قرآن است بودجه کشور را روی قیمت نفت بستند. هر بشکه ۲۴ دلار، گفتند سه هشت تا ۲۴ تا، هشت دلارش صرف بودجه عمرانی، هشت دلارش صرف حقوق کارمندان، هشت دلارش صرف جنگ. استکبار جهانی همین استعمار همین بریتانیا همین روباه پیر همین صهیونیسم این‌ها نشستند نشستند نشستند تمام ذخایر نفتی را بیرون آوردند عده زیادی را هم وادار کردند که تولید را زیاد کنند نفت شده بشکه‌ای هشت دلار. حالا بودجه روی ۲۴ دلار بسته شد. نفت شده هشت دلار؛ یعنی یک سوم. آن‌هم خلیج فارس نامن. کشتی‌ها را مرتب می‌زدند. ایران مجبور بود که بیمه آن‌ها را هم بدهد، هزینه آن‌ها را هم بدهد با کشتی خودش نفت را از این منطقه خطر بیرون ببرد حالا چقدر می‌ماند خدا می‌داند، این کشور بود. چگونه شد در آن بحران حفظ شد؟ فقط خدا، فقط امام، فقط قرآن. معجزه یعنی همین، این را بررسی کنید این

برای تاریخ بیهقی نیست این برای دویست سال و سیصد سال قبل نیست. این همین زمان بود این همین امام بود این همین شهدا بودند همین مبارزین بودند همین شما و پدران شما و فرزندان شما بودند. کشور اداره شد. پیروز شد با همان هشت دلار. چه طور شد؟ ما چه می‌دانیم چه طور شد؟ آنکه مسئول است گفت من اداره می‌کنم و کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۷/۷/۱۱)

- دادن قوه‌ی تشخیص باطل از حق

از دیگر سنت‌های خداوند درباره‌ی اثر تقوا، دادن نیروی تشخیص حق از باطل یا همان بصیرت به فرد یا جامعه متقی است. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ* (الأنفال/۲۹) از دیگر سنت‌ها، ارائه‌ی فرقان یا قوه‌ی تشخیص حق از باطل یا بصیرت به جامعه و بنده متقی است. گاهی ملاحظه می‌شود، امثال فرعون هم حق را از باطل تشخیص می‌دادند، اما عمل نمی‌کردند، اما چطور؟ از این رو، شاید مقصود از فرقان توفیق عمل به حق بعد از شناخت حق و باطل باشد. یعنی روشن‌دلی که منجر به عمل می‌شود نه صرف شناخت و آگاهی که برای یک تحلیل‌گر در نظام سلطه‌ی بین‌الملل هم پیش می‌آید.

- آسان‌سازی امور

تقوایبستگی جامعه، جریان سستی را رقم می‌زند که نتیجه‌ی آن آسان شدن امور زندگی برای انسان و جوامع انسانی است. *وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا* (الطلاق/۴) گاهی انسان می‌خواهد کاری انجام دهد که دارای مراحل مختلفی است و طی این مراحل دشوار است و فرد دیگری راه میانبر را نشان می‌دهد در اینجا کار آسان می‌شود. زمانی دیگر، کاری دشوار و سخت است اما برای برخی از انسان‌ها انجام آن آسان جلوه می‌کند، موضوع این سنت اولی است.

از برخی آیات چنین برمی‌آید، که ترکیب تقوا با انفاق و تصدیق نیکی‌ها، آسان‌سازی به همراه دارد: *فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (اللیل/۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (اللیل/۶) فَسُيِّرْهُ لَيْسَرَى (اللیل/۷)* اما این آسانی از نوع دوم است، یعنی انجام امور برای متقیان آسان می‌گردد و برای انجام هر کار به‌ظاهر دشواری سینه سپر می‌کنند، این مفهوم مطابق تفسیر امام باقر (ع) است که می‌فرماید: لا یرید شیئا من الخیر الا یسره الله له (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۶)

اما طرز کار تقوا در آسان‌سازی‌ها امور چگونه است؟ آیا امری ماورایی و معجزه‌گونه صورت

می‌گیرد؟ یا رعایت تقوا خود در آسان‌سازی امور یا انجام آسان امور مؤثر است؟ به نظر هر دو می‌تواند اتفاق افتد. تقوا مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمال است، فرض کنید، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، کارخانجات و... در یک جامعه، دزدی نکنند، رشوه‌خواری را مطرود بدانند، گران‌فروشی و کم‌فروشی نکنند، به عهد و قراردادها متعهد باشند، با دروغ سرکار نداشته باشند، به یکدیگر یاری رسانند، در انجام امور صحیح و خیر بر هم سبقت گیرند، راه انداختن کار مردم را بر خود لازم شمارند و ارباب‌رجوع را معطل خود نکنند، غصه‌ی ندارها را بکشند، به آن‌ها انفاق کنند، از اموال خود به زیردستان دهند و آن‌ها را در زندگی رفاهی خود شریک کنند و... آیا زندگی در چنین جامعه‌ای آسان نمی‌شود؟ آیا برای کنش‌گری که سبقت و سرعت در انجام امور خیر یک ارزش است انجام امور دشوار برایش دشوار خواهد بود؟

- راه خروج از مشکلات و بحران‌ها

دیگر اثری که خداوند برای تقوای اجتماعی قرار داده است، نشان دادن راه خروج از مشکلات است. وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (الطلاق/۲) نبی اعظم (ص) از صفتی در انسان صحبت کرده‌اند که هر کس آن را دارا شود دنیا و آخرت در اختیارش قرار می‌گیرد و پیروزی در بهشت را سود می‌برد و آن پرهیزکاری است و سپس آیه‌ی مورد بحث را تلاوت فرمودند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۸۵) امام علی (ع) نیز به استناد آیه، تقوا را موجب خروج از فتنه‌ها و از ظلمت‌ها به سوی نور می‌داند (اعلمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ، و نورا مِنَ الظلم (سید رضی، خ ۱۸۳).

- عدم تأثیر نقشه‌ی دشمن

تمدن‌های نوپا اغلب با دشمنان زیادی روبرو می‌شوند. رقبا تلاش می‌کنند، تا رقیب جدیدی پا نگیرد، خصوصاً وقتی رقیب جدید، دشمن آرمان‌ها و رؤیاهای آن‌ها باشد. آنان هرروز با نقشه‌هایی جدید و ترفندهایی تازه به میدان می‌آیند اما می‌تواند، یک مانع بر سر راه آن‌ها وجود داشته باشد: وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيِّرُكُمْ كَيْدَهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (النساء/۱۰۸) خداوند در سوره‌ی آل‌عمران وقتی حادثه‌ی بدر را بازخوانی می‌کند به بیان سستی دیگر که از محصولات مشترک صبر و تقواست اشاره می‌فرماید، اگر جامعه اسلامی این دو ویژگی را کسب کنند نقشه‌های دشمن به آن‌ها آسیبی نمی‌رساند. البته عدم رعایت آن دو می‌تواند سرنوشتی بسان نبرد احد را رقم زند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۶۶۱).

از این رو اگر جامعه تقوایبش کند، در واقع به نوعی خود را در قبال توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن بیمه کرده است، هر چند نقشه‌های دشمن کوه افکن باشد. وَقَدْ مَكْرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (الإبراهیم/۴۶) بدیهی است مقصود از بازدارندگی، بازدارندگی در قبال صدمات جزئی نیست که اصولاً در هر حرکتی امکان وارد شدن خسارت جزئی وجود دارد و تاریخ هم مثبت همین است، بلکه مقصود بی‌اثر شدن نقشه‌های نابودگر و به قول دشمن‌های امروزی فلج‌کننده است.

۵-۵. سنت استغفار

یکی دیگر از سنت‌های پیدایی، پایایی و پیشرفت تمدن‌ها، سنت استغفار است. قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (نوح/۱۰) يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (نوح/۱۱) وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبْنِيَنَّ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (نوح/۱۲). حضرت نوح طبق این آیات به مردم خود قول بهره‌مندی از نعمت‌های فراوان و مستمر را داد، مشروط بر این که از پروردگار خود طلب مغفرت کنند. پس معلوم می‌شود استغفار از گناهان اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاری‌ها و گشوده شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی دارد، می‌فهماند بین صلاح جامعه انسانی و فساد آن و اوضاع عمومی جهان ارتباطی برقرار است به طوری که اگر جوامع بشری خود را اصلاح کنند، به زندگی پاکیزه و گوارایی می‌رسند و اگر به عکس آن عمل کنند، عکس آن را خواهند دید (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۱).

اما حقیقت استغفار چیست؟ در سطح تمدنی از چه چیز باید استغفار کرد؟ فرمایشی از امام علی (ع) می‌تواند روشن‌گر پرسش اول باشد: وَقَالَ (عليه السلام) لِقَائِلٍ قَالَ بِحَضْرَتِهِ "اسْتَغْفِرُ اللَّهَ": نَكَلْتِكَ أُمَّكَ، أ تَدْرِي مَا الْاسْتِغْفَارُ؟ الْاسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَهُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِنَّةٍ مَعَانٍ: أَوْلَاهَا النَّدْمُ عَلَى مَا مَضَى، وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا، وَ الثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ عَلَيْكَ تَبِعَةً، وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا، وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُدَيِّبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ، وَ السَّادِسُ أَنْ تُدَيِّقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمُعْصِيَةِ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ (سید رضی، حکمت ۴۱۷)

اما پاسخ پرسش دوم چیست؟ می‌توان چنین پنداشت که کارگزاران در نظام‌های مختلف تمدنی عمداً یا سهواً دچار اشتباهاتی می‌شوند که جامعه را از مسیر خود منحرف می‌کند، این اشتباهات می‌تواند در سطح سیاستگذاری‌ها، قانون‌گذاری یا فعالیت‌ها و اقدامات رخ داده باشد. حال اگر چنین اتفاقی در عرصه تمدنی رخ دهد قاعدتاً باید به‌گونه‌ای جبران گردد. با الهام از روایت اخیر شاید بتوان برای استغفار فرآیندی چندمرحله‌ای قائل شد.

قاعدتاً هر تمدنی باید عقل منفصلی داشته باشد تا مسیر حرکت و اقدامات و کنش‌های تمدنی را رصد و ارزیابی نماید، مانند محاسبه‌ای که هر شخص حسابگر هرروزه باید از خود داشته باشد. (الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَمِلَ شَيْئًا سَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَتَابَ إِلَيْهِ، (شیخ مفید، بی تا، ۲۶) بعد از محاسبه و دریافت اشتباه، نوبت به استغفار می‌رسد و مراحل یادشده در روایت امام علی (ع) ناظر به این بخش است.



مطابق این الگو، بعد از کشف اشتباهات، باید اظهار پشیمانی از آن به اطلاع جامعه رسانده شود. در گام بعد اراده و عزم به بازگشت از مسیر اشتباه در کارگزاران ارشد به وجود آید. یعنی صرف اظهار اشتباه که در برخی کشورها مرسوم است و جلوی دوربین‌ها تعظیم می‌کنند و عذرخواهی می‌کنند، کافی نیست. در مرحله سوم حقوق از دست‌رفته‌ی دیگران تدارک شود که خود کار بزرگ است و قطعاً رضایتمندی مردم را به دنبال خواهد داشت. در گام چهارم اگر امر لازم و واجبی در این میان فوت شده باید تدارک گردد.

سپس آثار و پیامدهای نامبارک تصمیم یا عمل اشتباه از تن جامعه زدوده گردد. به عبارت دیگر همان‌طور که گوشت روییده از معصیت باید از تن آب شود، همچنین باید پیامدهای ناگوار اشتباهات نیز آب شود و در مرحله آخر کارگزاران اشتباه کننده، در مسیر انجام امور خیر و اطاعت الهی چنان خود را به‌زحمت اندازند که به هنگام اشتباهات از کار خود متشکر بودند و لذت می‌بردند. اگر پاداشی گرفته‌اند پس دهند و در اصلاح پیامد ناگوار ناشی از اقدام خود هزینه نمایند، اگر با تشویق وجهه‌ای کسب کرده‌اند، آن وجهه را در راه خدا هزینه کنند و...

متأسفانه جامعه‌ی امروزی تصویری صحیح از استغفار در سطح تمدنی را در ذهن ندارد از این‌رو آن را پدیده‌ی روانی در قلب می‌بیند که صرفاً پشیمانی از گناه فردی است نه معصیت اجتماعی، علاوه بر این که هنوز تصویری از معاصی اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در ذهن شهروندان و حاکمان ساخته نشده است تا پهنه‌ی استغفار اجتماع بیشتر و بیشتر روشن گردد. جای شکرگزاری است که در تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان نمونه‌هایی از این نوع استغفار را مشاهده نمود. ادامه سیاست کنترل جمعیت از این نوع تصمیمات اشتباه بود که به وقوع پیوست، سیاستی که تقریباً از اواخر دهه‌ی شصت به اجرا درآمد و بالاخره در دهه‌ی ۹۰ تغییر مسیر داد. رهبر معظم انقلاب در این مورد فرمودند:

«من همین‌جا در داخل پراتنز عرض بکنم؛ یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه‌ی ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹). بعد از آن نیز به‌کرات به مسئولان در این‌باره تأکید داشته‌اند و حتی راهکارهای جبرانی را مورد نقد قرار دادند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۴/۳) و در جمعی دیگر بر فرهنگ‌سازی در همین زمینه تأکید نمودند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۸)

در آیه دیگری از دیگر آثار سنت استغفار سخن گفته شده است: وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (هود/۳)

الف. بهره‌مندی در حیات دنیا و برخورداری از حیات نیک دنیوی: گفته شده است، متاع حیات، وقتی حسن و نیکو می‌شود که آدمی در آن حیات به‌سوی سعادت می‌گردد که برایش امکان دارد روانه شود و خدای تعالی او را به‌سوی آرزوهای انسانی‌اش که همان تنعم به نعمت‌های دنیوی از قبیل: وسعت، امنیت، رفاه، عزت و شرافت است هدایت کند (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۴۲) ولی آیا تمدن‌های غیرتوحیدی از ثروت و قدرت و امنیت و... برخوردار نیستند؟ چرا اما، کسانی که در تمدن‌های غیرتوحیدی زندگی می‌کنند و از خدا و ذکر او روی گردانند از زندگی تنگی برخوردارند. یعنی معیشت آنان تنگ است و مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا (سوره طه/۱۲۴) این زندگی هرچند از نظر مادی در فراخی نسبی است اما از نظر روانی چنین نیست. آمار و اطلاعات منتشره از سوی غربی‌ها درباره‌ی میزان خودکشی‌ها، مصرف داروهای ضدافسردگی، روان‌گردان‌ها و مشروبات الکلی خود شاهدی بر صدق ادعاست.

ب. وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ یعنی خدای تعالی به هر کس که صفات و اعمالی بهتر و بیشتر از دیگران دارد، آن سعادت و اجری را که مختص به آن زیادت است می‌دهد، بدون اینکه حق او را باطل و یا برتری و زیادتش را غضب کند و یا آن را به دیگری که این برتری را ندارد بدهد آن‌طور که در مجتمعات غیردینی بشری رفتار می‌شود. در جوامع بشری هر قدر یک جامعه متمدن و مترقی باشد ممکن نیست به دو طایفه مستکبر و مستضعف تقسیم نشود، بشریت از آن روز که در کره زمین منزل‌گزید و از همان اولین روزی که تشکیل اجتماع داد، اجتماعش از دو طایفه مستعلای مستکبر قاهر و مستعبد ذلیل مقهور تشکیل شد و هیچ‌چیز این افراط و تفریط را تعدیل نکرده و نمی‌کند مگر دین توحید (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۴۳) به عبارت دیگر انسان‌های تربیت‌شده در جامعه‌ی توحیدی با رصد و ارزیابی وقتی متوجه اشتباهات و کج‌روی‌های خود شدند درصدد جبران آن برمی‌آیند.

قطعاً یکی از اشتباهات می‌تواند درباره‌ی جایگاه اشخاص صاحب فضل و برتری اتفاق افتد. در گزینش‌ها و استخدام‌ها، چنین اتفاقی دانسته یا نادانسته کلاً روی می‌دهد. غلبه‌ی هواهای نفسانی انسان‌ها را از جاده‌ی عدالت خارج می‌کند حب و بغض‌ها اگر مدیریت نشود به محروم‌سازی اشخاص دارای برتری از جایگاه حقیقی‌شان منجر می‌شود، از این‌رو در چنین جامعه‌ای به محض رصد اشتباه، فرد مسئول درصدد جبران برمی‌آید تا صاحبان فضل در جایگاه خود قرار گیرند.

۵-۶. سنت پایداری، کلید تأسیس حکومت صالحان و تمدن توحیدی

از اعمالی که خداوند پیامدهای متنوعی برای آن در نظر گرفته و از سنت‌های تمدنی است، صبر و پایداری است، ترجمه صبر به پایداری یا استقامت ترجمه رساتری است، زیرا گاهی به‌اشتباه صبر به معنای تحمل سختی از روی ناچاری و درماندگی لحاظ می‌شود، اما در واژه‌ی پایداری و استقامت مفهوم مقاومت نهفته است، که مفهومی مثبت است و از این‌روست که امام علی (ع) آن را شجاعت می‌خواند (وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، سید رضی، ح ۴) رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: توأصی به‌حق و توأصی به صبر برای همیشه و بخصوص برای امروز ما یک دستورالعمل اساسی است... صبر یعنی پایداری، یعنی ایستادگی، یعنی خسته نشدن، یعنی خود را در بن‌بست ندیدن؛ این معنای صبر است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۶/۲۷) در داستان حضرت موسی، ساحران بعد از تهدید فرعون می‌گویند: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (الأعراف/۱۲۶) و بعد از این که ملاّ جامعه فرعون (خواص بی‌دین)، حضرت موسی (ع) و پیروانش را مورد تهدید قرار دادند، انتظار داشتند باعث تضعیف روحیه‌ی آنان شود، اما در مقابل حضرت موسی (ع) آن‌ها را به پایداری فراخواند، با این وعده که استقامت در این مقطع زمینه‌ی تأسیس حکومت صالحان است: قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (الأعراف/۱۲۸) شاید حکومت صالحان، بزرگترین دستاورد پایداری در زندگی دنیوی و تأسیس تمدن اسلامی باشد.

موحدان اغلب در مسیر حرکت خود با موانع بزرگی روبرو می‌شوند، ناشی‌گری آنان در اداره‌ی حکومت، چالش‌های اقتصادی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی که از سوی رقبا و دشمنان ایجاد می‌شود و تنها عامل بازدارنده، پایداری، استقامت مستمر و خستگی‌ناپذیر است، قطعاً پایداری وقتی تحقق می‌یابد که موحدان عنصر «امید» را از دست ندهند، وعده الهی به جانشینی صالحان آن امید موردنیاز را تدارک می‌کند. قطعاً تمدن توحیدی از بزرگترین باقیات صالحات برای انسان کنشگر است که در قرآن از آن به «بهترین آرزو» تعبیر شده است، الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (الکهف/۴۶) آرزویی که همان رؤیای مؤمنانه در مقابل رؤیاهای رقیب مانند رؤیای آمریکایی است. انسان تمدنی در هر کنش خود امید دارد آخرتی وسیع‌تر و آبادتر از دنیا برای خود بسازد، از این‌رو تلاشی مضاعف دارد، تقویت این انگیزه در مؤمنان حکومت‌گر از پیشران‌های تمدن توحیدی است (القصص/۵).

نتیجه‌گیری

خداوند بر جهان، تاریخ و جامعه قوانینی را حاکم کرده است، تمدن نیز سطحی از جامعه است که در بستر تاریخ روی می‌دهد، از این رو قوانین حاکم بر تاریخ و جامعه بر آن حاکم است. دستیابی به قوانین حاکم بر تمدن به‌خصوص سنت‌های حاکم بر پیدایی و پایایی تمدن، موضوعی کاملاً کاربردی است که می‌تواند تمدن توحیدی را در صراط مستقیم پیش برد و بعد از پیدایی، پایایی آن را تضمین نماید. قرآن بخشی از سنت‌های حاکم بر پایایی و مانایی تمدن را برشمرده است، در این نوشتار شش سنت امداد، ارسال رسولان، پیروزی حق بر باطل، پایداری، تقوایشی و سنت استغفار با رویکردی تمدنی مورد ملاحظه و تحلیل قرار گرفت. روشن است عملکرد انسان‌ها موجب به کار افتادن و جریان سنت‌ها در بستر تاریخ می‌گردد. از این رو انسان قادر است با عمل خود موضوع سنت‌ها را ایجاد نماید و با ایجاد موضوع زمینه برای ایجاد و سریان سنت و محمول آن فراهم می‌شود. سریان این سنت‌ها قادر است به ایجاد و پایایی فرهنگ تمدنی، نظامات تمدنی یاری رساند امور تمدنی را آسان سازد، شایسته‌سالاری را حاکم نماید، معرفت و حیانی لازم برای حرکت انسان و به‌کارگیری عقل و تجربه بشری را هموار کند، اقتصاد را از راه‌های محاسبه نشده بهبود بخشد، جبهه حق را پیروز گرداند و...

محققان گرامی می‌توانند سنت‌های ناشی از ایمان جمعی و نصرت الهی را نیز مورد مطالعه قرار دهند. هر چند احتمال دارد با کاوش بیشتر سنت‌های دیگری هم کشف گردد. بدیهی است هر سنتی که نشان‌دهنده‌ی عوامل انحطاط و رکود جوامع و تمدن‌هاست عمل به‌عکس آن می‌تواند عامل پیدایی و پایایی و حتی پیشرفت تمدن محسوب گردد و به‌نوعی اشعار به پایایی و مانایی تلقی گردد. پیشنهاد می‌شود هر یک از این سنت‌ها به‌صورت موردی مورد کندوکاو قرار گیرد و چگونگی تحقق آن‌ها در اجزای تمدنی با تطبیقات تاریخی به‌عنوان تجربه‌های بشری ارائه گردد. آنچه مهم است دستیابی به منطق تعمیم داده‌های فردی به امور اجتماعی است که به علت عادت اذهان به برداشت‌های فردی از معرفت‌های و حیانی چنین امری را دشوار می‌نماید.

منابع

- قرآن کریم
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم فی تفسیر القرآن* (۱۳۸۸)، علی اسلامی، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر انسان به انسان* (۱۳۸۹)، محمدحسین الهی زاده، مرکز نشر اسراء، چ ۵
- حامد مقدم، احمد (۱۳۸۲)، *بنیاد پژوهش های اسلامی*
- حسینی، حسن (۱۳۸۶)، *سنت های الهی و سقوط و صعود تمدن ها، پژوهشنامه تاریخ، ش ۸، صص ۴۵-۸۱*
- دانشکجا، محمدحسین، محمدحسین (۱۳۹۹)، *تأثیر نگرش به دنیا در ساخت تمدن از منظر قرآن، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، ش ۲، صص ۹۷-۱۲۳*
- دانشکجا، محمدحسین، ایوب زارع خفزی (۱۴۰۱)، *تبیین نقش قانون الهی در پایایی تمدن اسلامی از نظر گاه آیت الله جوادی آملی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، ش ۱، صص ۱۹۱-۲۲۰*
- دانشکجا، محمدحسین (۱۳۹۳)، *نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، نشر معارف*
- سقای بی ریا، محمدناصر (۱۳۹۸)، *مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، ش ۲، صص ۲۲۳-۲۴۷*
- سید رضی، *نهج البلاغه*
- شهید صدر، سید محمدباقر (بی تا) *انتشارات روزبه، ترجمه دکتر سید جمال موسوی ص ۷۲ به بعد*
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی (ط - الإسلامية)*، (۱۴۰۷ق)، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، *دارالکتب الإسلامیة، تهران، ج ۵، ص ۸۴*
- کافی، مجید (۱۳۹۳)، *جامعه شناسی تاریخی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۴۰۵*
- طباطبایی، سید محمدحسین، *تفسیر المیزان (بی تا)*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، (۱۴۰۳)، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۶۷
- محمدی، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲۰، ص ۱۶۱
- مراد خانی، احمد (۱۳۸۶)، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، مرکز جهانی علوم انسانی
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۵
- مفید، محمد بن محمد (بی‌تا)، قم، جامعه مدرسین فی الحوزه العلمیه
- میر محمدی، سیدضیاء الدین و همکاران (۱۳۸۹)، قانونمندی تاریخ و ویژگی‌های آن در قرآن، فصلنامه پژوهشی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، سال اول، ش ۱، صص ۹-۳۴
- نجفی علمی، محمدجعفر (۱۳۷۱)، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول
- جوادی آملی، عبدالله، جلسه ۵ (۱۳۹۷/۷/۱۱)، تفسیر سوره طلاق <https://www.eshia.ir>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۸/۸)، بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۱/۷/۱۹)، بیانات در اجتماع بزرگ مردم بجنورد
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۴/۳۰)، بیانات در دیدار مسئولان نظام
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۵/۵)، بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)، خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۵/۲۷)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۲/۲۴)، بیانات در دیدار مسئولان نظام
- شهید تهرانی مقدم (یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۰)، ساخت موشک فوق حساس با ۳ روز توسل در حرم امام رضا (ع):

<https://www.jahannews.com/analysis/19567>

References

- Quran [In Persian].
- al-Mufid, Muhammad ibn Muhammad, n.d, qom: Qom seminary scholar's community [In Persian].
- Daneshkia, Mohammad Hosain (1393), *another perspective at history in the Quran*, qom, nashremaaref [In Persian].
- Daneshkia, Mohammad Hosain (1399), The effect of attitude to the world in building a civilization from perspective of quran, *scientific journal of new Islamic civilization fundamental studies*, vol.3, No.2, (serial 6), 97-123 [In Persian].
- Daneshkia, Mohammad Hosain, Zare KHafri, Ayyob (1401), Elucidation of the divine law's role in the reliability of Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli, *scientific journal of new Islamic civilization fundamental studies*, vol.5, No.1, (serial 9), 191-220 [In Persian].
- Hamed Moghadam, Ahmad (1382), *Islamic Research Foundation* [In Persian].
- Hosseini, Hasan (1386), Divine traditions and the fall and rise of civilizations, *scientific journal of history research*, 45-81 [In Persian].
<https://www.eshia.ir>
- Javadi-Amoli Abdollah (1388), *Tasneem Tafsir*, Edited by Ali islamy, nashr esra [In Persian].
- Javadi-Amoli Abdollah (1389), *The interpretation of man through man*, Edited by Mohammad Hossein Elahizadeh, nashr esra [In Persian].
- Javadi-Amoli, Abdollah, session 5 (1397/7/11), tafsir sureh talagh [In Persian].
- Kafi, Majid (1393), *Historical sociology*, Research Institute of Hawzah and University, 405 [In Persian].
- Khamenei, seyed Ali (1390/11/14), " Friday sermons in Tehran + translation of the Arabic sermon" , <https://khamenei.ir> [In Persian].
- Khamenei, seyed Ali (1393/7/19), "Statements in the large gathering of the people of Bojnord", <https://khamenei.ir> [In Persian].

- Khamenei, seyed Ali (1398/2/24), "Statements in the meeting with the officials of the system", <https://khamenei.ir>. Ir [In Persian].
- Khamenei, seyed Ali (1398/5/27), "Statements in the meeting with the officials of the system", <https://khamenei.ir>. Ir [In Persian].
- Khamenei, seyed Ali (1392/4/30), "Statements in the meeting with officials of the system", <https://khamenei.ir>. Ir [In Persian].
- Khamenei, seyed Ali (1381/5/5), "Statements in the meeting of the members of the Friday prayer staffs" <https://khamenei.ir>. Ir [In Persian].
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1407), *al-Kafi*, translated by Mohammad Akhondi, alia kbar Ghaffari, Tehran: darolkotob islami, ed.5, 84 [In Persian].
- Majlesi, Mohammad-Baqer (1403), *Bihar al-Anwar (Beirut)*, translated by A group of researchers, Arab Heritage Revival House, Beirut, ed 67 [In Persian].
- MirMuhammadi S Z A, Alviri M (1389), The regularity of history and its features in the Qur'an, *scientific journal the history of Islamic culture and civilization*, No1, 9-34 [In Persian].
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi (1380), *Society and history from the perspective of the Qur'an*, nashrebeynolmelal [In Persian].
- Mohammadi, seyed Mohammad Hosain (1387), Principles and rules governing the course of civilizations, *history o islam as reflected in research*, No20, 161 [In Persian].
- Moradkhani, ahmad (1386), *Social traditions in the Quran*, International Center for Islamic Studies [In Persian].
- Najafi Elmi, Mohammad Jaafar (1371), Ministry Of Culture And Islamic Guidance Directorate, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian].
- Sadr, Muhammad Baqir, n.d, ruzbeh publishing, translated by doctor seyed Jamal Mousavi, 72 [In Persian].
- Saqa Biria, Mohammad Nasser (1398), An Introduction to "Despair" and "Hope" in the Rise and Fall of Islamic Civilization (Theological and Historical Approach), *scientific journal of new Islamic civilization fundamental studies*, vol.2, No.2, (serial 4), 223-247 [In Persian].

- Shahid Tehrani Moghadam (1390/7/29), "The construction of a super-sensitive missile with 3 days of appeal in the shrine of Imam Reza", <https://www.jahannews.com/analysis/195760> [In Persian].
- Sharif Radhi, *Nahj al-balagha*, hekmat 4
- Tabatabai, seyed Muhammad Husayn, n.d, *Tafsir al-Mizan*, The Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers [In Persian].